ISSN: 2717-0934 Vol.8 , No.2, Serial No. 28, Summer 2026 http://journal.iiwfs.com/

The Journal of Fundamental and Applied Studies of the Islamic World

https://doi.org/10.22034/fasiw.2026.245544

Article Type: Research paper

Inter-regionalism; China's Economic Cooperation Model and Regional Order in the Gulf Cooperation Council (2004-2023)

*** Ashkan Golafshan[1], Mostafa Barzekar[2], Seyyed Mahmoud Mousavi[3]**

1. PhD in Regional Studies, Department of International Relations, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran.
2. PhD in Political Science, Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University, Central Tehran, Tehran, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Political Science and International Relations, Shahid Mahallati University of Islamic Sciences, Qom, Iran.

Article Info.

Received: 14/09/2025
Accepted: 23/11/2025
Available Online: 01/11/2026

Keywords:
Interregionalism, People's Republic of China, Gulf Cooperation Council, Economic Policy, Strategic Partnership.

*** Corresponding Author:**
Dr. Ashkan Golafshan
Address: PhD in Regional Studies, Department of International Relations, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran.
E-mail:
golafshan-a@atu.ac.ir

Abstract

The People's Republic of China is known as a country whose status in the international system has been continuously improved and has entered into competition with other powers of the international system. China's continuous economic growth has caused a change in the economic agenda of the government in creating an approach to development and consolidation of power in the structures of international political economy, especially in the sensitive region of West Asia. this research tries to address the basic question of what effect China's economic policies towards the Persian Gulf Cooperation Council have had on the relations of the council members. The research hypothesis is designed with a qualitative method and an explanatory approach in such a way that the inter-regional relations between China and the members of the Persian Gulf Cooperation Council have led to the formation of a network of relations between the members of the Council, which has strengthened the level of cooperation, competition and interdependence between the members. Therefore, in this research, an attempt is made to investigate the influence of the field of inter-regionalism on the indicators of cooperation and competition in the Persian Gulf Cooperation Council.

How to Site:
Golafshan, A., Barzekar, M. & Mousavi, S. M. (2026). inter-regionalism; China's economic cooperation model and regional order in the Persian Gulf Cooperation Council (2004-2024). *The Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 8(2), 146-174.

Authors retain the copyright and full publishing rights.
Published by Iranian Association of Geopolitics. This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

فصلنامهٔ مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام،
سال هشتم، شمارهٔ بیست و هشتم، تابستان ۱۴۰۵
https://doi.org/10.22034/fasiw.2026.245544



نوع مقاله: علمی پژوهشی

میان منطقه‌گرایی؛ الگوی همکاری اقتصادی چین و نظم منطقه‌ای در شورای همکاری خلیج فارس (۲۰۲۳-۲۰۰۴)

*** اشکان گل‌افشان[۱]، مصطفی برزکار[۲]، سید محمود موسوی[۳]**

۱. دکتری مطالعات منطقه‌ای، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
۲. دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز، تهران، ایران.
۳. استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه علوم اسلامی شهید محلاتی، قم، ایران.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۹ مهر ۱۴۰۴
تاریخ پذیرش: ۱۵ آذر ۱۴۰۴
تاریخ انتشار: ۱۰ آبان ۱۴۰۵

کلیدواژه‌ها:
میان‌منطقه‌گرایی، جمهوری خلق چین، شورای همکاری خلیج فارس، سیاست اقتصادی، مشارکت استراتژیک.

*** نویسندهٔ مسئول:**
دکتر اشکان گل‌افشان
نشانی: دکتری مطالعات منطقه‌ای، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
پست الکترونیک:
golafshan-a@atu.ac.ir

چکیده

دستورکار اقتصادی جمهوری خلق چین طی سالیان اخیر همزمان با رشد مستمر اقتصادی در جهت توسعه و تثبیت قدرت در ساختار اقتصاد سیاسی بین‌الملل تغییر یافته است. با عنایت به اهمیت و جایگاه حیاتی شورای همکاری خلیج فارس در ساختار اقتصاد سیاسی بین‌الملل و منطقه غرب آسیا این پژوهش سعی دارد به این پرسش اساسی بپردازد که سیاست‌های اقتصادی چین در منطقه غرب آسیا، چه تاثیری بر روابط اعضای شورای همکاری خلیج فارس از حیث همبستگی، رقابت درون منطقه‌ای، وابستگی متقابل و... داشته است؟ فرضیه پژوهش با روش کیفی و رویکرد تبیینی بدین صورت طراحی شده که روابط میان منطقهای بین چین و اعضای شورای همکاری خلیج فارس منجر به شکلگیری شبکهای از روابط بین اعضای شورا شده که افزایش سطح همکاری، رقابت و وابستگی متقابل بین آنها را تقویت نموده است. بنابراین در این پژوهش تلاش میشود تاثیرگذاری حوزه مطالعاتی میان منطقهگرایی بر شاخصهای همکاری و رقابت در شورای همکاری خلیج فارس مورد بررسی قرار گیرد. یافتههای پژوهش موید این واقعیت است که در قالب الگوی استراتژی مشارکتی چین، سرمایه‌گذاری و روابط طرفین به‌سرعت گسترش یافته و تحت تاثیر انعقاد توافقات دوجانبه مشارکت جامع استراتژیک و میان‌منطقه‌ای چارچوب همکاری ۲۰۰۴ روابط کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در جهت افزایش همگرایی، رقابت منطقه‌ای و وابستگی متقابل دگرگون شده است.

استناد به این مقاله:
گل افشان، اشکان، برزکار، مصطفی و موسوی، سید محمود. (۱۴۰۵). میان منطقه گرایی سیاست اقتصادی چین و نظم منطقه ای در شورای همکاری خلیج فارس (۲۰۲۳-۲۰۰۴). *مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*، ۸(۲)، ۱۴۶-۱۷۴.

Authors retain the copyright and full publishing rights.
Published by Iranian Association of Geopolitics. This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

۱. مقدمه

سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ از پیچیدگی‌های گسترده‌ای برخوردار است و شناخت آن از جهت تأثیر فزاینده‌ای که بر سیاست بین‌الملل دارد، برای فهم این عرصه ضروری می‌باشد. جمهوری خلق چین به‌عنوان کشوری که جایگاه آن در سطح نظام بین‌الملل پیوسته ارتقا یافته و با سایر قدرت‌های نظام بین‌الملل وارد رقابت شده است، شناخته می‌شود؛ به‌گونه‌ای که طی دهه‌های اخیر رفتار سیاست خارجی و تحولات داخلی آن مورد توجه محافل علمی و سیاست‌گذاری قرار گرفته است. در این راستا سیاست‌های اقتصادی جمهوری خلق چین تحت تاثیر تغییرات ساختاری عمیق در اقتصاد سیاسی بین‌الملل و گسترش سریع نظام سرمایه‌داری شاهد تغییرات مهمی در جهت همراهی بیشتر با نظام بین‌الملل بوده است. مازاد سرمایه و ضرورت صدور آن، تراکم تولیدات صنعتی، نیاز دسترسی به بازار مصرف و منابع انرژی در اقتصاد چین باعث تغییر دستورکار اقتصادی دولت در ایجاد رویکرد توسعه و تثبیت قدرت در ساختارهای اقتصاد سیاسی بین‌الملل گردیده است و چین برخلاف رویکرد سایر بازیگران فرامنطقه‌ای که بصورت معمول از الگوی اتحاد و ائتلاف پیروی می‌کنند، سیاست‌های اقتصادی خود را براساس الگوی استراتژی مشارکتی طراحی نموده است. جایگاه منطقه غرب آسیا بویژه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس با برخورداری از ظرفیت‌های گسترده و به‌واسطه پویایی اقتصادی، حساسیت و قابلیت ضربه‌پذیری ازجمله حوزه‌هایی است که سیاست خارجی چین بصورت ویژه نسبت به آن معطوف شده است. مقامات چینی طی دهه‌های اخیر با درک این موضوع تلاش‌های وسیعی برای ارتقای روابط با کشورهای منطقه صورت داده‌اند تا بدین‌وسیله میزان بهره‌مندی خود از ظرفیت‌های موجود را افزایش دهند. بر این اساس در مقاله زیر سعی داریم تاثیرگذاری حوزه مطالعاتی میان منطقه‌گرایی بویژه روابط چین- شورای همکاری خلیج فارس بر شاخص‌های همکاری و رقابت در میان اعضای شورای همکاری خلیج فارس را مورد بررسی قرار دهیم. بنابراین در پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که سیاست‌های اقتصادی چین در قبال اعضای شورای همکاری خلیج فارس، چه تاثیری بر روابط اعضای شورا داشته است؟ با عنایت به توسعه روزافزون روابط اقتصادی جمهوری خلق چین و اعضای شورای همکاری خلیج فارس، در پاسخ به این پرسش این فرضیه مطرح می‌شود که روابط میان منطقه‌ای بین چین و اعضای شورای همکاری خلیج فارس منجر به شکل‌گیری شبکه‌ای از روابط بین اعضای شورا شده که افزایش سطح همکاری، رقابت و وابستگی متقابل

بین اعضا را فراهم ساخته است. در این پژوهش از روش کیفی و رویکرد تبیینی استفاده شده و تجزیه و تحلیل داده‌های آن بر تبیین رابطه علی بین متغیرها استوار است. بدین‌منظور برای گردآوری اطلاعات از منابع اولیه و ثانویه مشتمل بر اسناد، کتب و مقالات معتبر داخلی و خارجی، جستجو در شبکه‌های اینترنتی، رساله‌های تخصصی و... استفاده شده است.

۲. پیشینه پژوهش

سازمند و رمضانی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «رژیم‌سازی چین در خلیج فارس؛ واکاوی منطقه تجارت آزاد تجاری چین و شورای همکاری خلیج فارس» به این پرسش می‌پردازند که چرا چین به دنبال ایجاد رژیم منطقه آزاد تجاری چین- شورای همکاری خلیج فارس است؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که چین گفت‌وگوها جهت ایجاد منطقه آزاد تجاری چین- شورای همکاری خلی فارس را به منظور افزایش حجم تجارت اقتصادی آغاز نموده است. این امر حجم تجارت را در سال ۲۰۰۸ به بیش از ۹۰ میلیارد دلار افزایش داده و این رقم در سال ۲۰۱۹ به بیش از ۱۸۰ میلیارد دلار رسیده است. و این کشور در حال حاضر در پی ارتقا منطقه آزاد تجاری به سایر حوزه‌ها مخصوصا تجارت خدمات و سرمایه‌گذاری است.

دانش‌نیا و سهرابی‌منش (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «اقتصاد سیاسی سیاست خارجی چین در منطقه منا» به دنبال پاسخ به این پرسش هستند که جایگاه منطقه منا در اقتصاد سیاسی چین و رویکرد این کشور به منطقه یاد شده چگونه است؟ این پژوهش می‌کوشد در فراسوی تحلیل‌های تقلیل‌گرا در باب تعاملات چین در منطقه منا تکاپوی این کشور در منطقه یاد شده را در چارچوب تحقق‌بخشی به اهداف سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فناورانه چین و اتصال اقتصاد سیاسی آن به فرماسیون اقتصادی- اجتماعی جغرافیای پیرامون دور و نزدیک خود به طور خاص در منطقه منا به بحث بگذارد.

ترکی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان«رویکرد کانترهژمونیک چین در خلیج فارس (مطالعه موردی؛ ایران و عربستان بین سال‌های ۲۰۲۲- ۲۰۱۵)» به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که چگونه تحریم‌های آمریکا علیه ایران در سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۰۹ بر همکاری‌های نفتی چین و عربستان تأثیر گذاشته است؟ در پاسخ این فرضیه بررسی می‌شود که با کاهش فرصت‌های همکاری بین چین و ایران در حوزه انرژی به دلیل تحریم‌های آمریکا، همکاری‌های نفتی چین و عربستان در سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۰۹ گسترش یافته است.

فالتون[1] (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «روابط چین و عربستان سعودی از طریق الگوی همکاری ۱+۲+۳» تأکید می‌کند پروژه‌هایی که تحت الگوی همکاری ۱+۲+۳ قرار می‌گیرند، نقش مهمی در توسعه روابط طرفین ایفا می‌کند و طیف گسترده‌ای از منافع متقابل نشان می‌دهد که دو کشور به همکاری خود ادامه خواهند داد و عربستان سعودی را به شراکتی کلیدی برای توسعه تبدیل خواهد کرد.

دونگمی چن[2] (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان «چین و چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی: مروری بر پایداری مشارکت» تأکید می‌کند روابط بین عربستان سعودی و چین که بر اساس منافع متقابل و مزایای مکمل ساخته شده است، از یک اهمیت حاشیه‌ای به مشارکت استراتژیک جامع تبدیل شده است. دو کشور مکانیسم‌های هماهنگی دوجانبه و منطقه‌ای را ایجاد کرده‌اند که هدف آن همسویی با طرح کمربند و جاده چین (BRI) و چشم‌انداز عربستان سعودی ۲۰۳۰ است. نویسنده در این مقاله برخی از زمینه‌ها و رویکردهای جدید برای همکاری در زمینه مدیریت روابط بین چین و عربستان سعودی را ارائه می‌دهد.

یانگ[3] (۲۰۲۳) در مقاله‌ای با عنوان«موقعیت استراتژیک ابتکار کمربند و جاده در چشم‌انداز اقتصادی جدید چین» تأکید می‌کند همکاری‌ها و مبادلات چین با سایر کشورها و مناطق افزایش یافته و روش‌های همکاری قبلی دیگر نمی‌توانند پاسخگوی نیازهای اقتصادی چین باشد. بنابراین، برای رفع چالش‌ها ایجاد یک حالت همکاری جدید بسیار مهم می‌باشد. این مقاله عمدتاً موقعیت استراتژیک «ابتکار کمربند و جاده» در چشم‌انداز اقتصادی جدید چین و همچنین تأثیر اقتصادی آن بر چین و مسائل موجود را تحلیل می‌کند.

بررسی و مطالعه پیرامون موضوع این پژوهش حکایت از آن دارد که تاکنون در بین منابع فارسی موجود اثر پژوهشی محسوسی که پاسخگوی مسائل مربوط به سیاست اقتصادی جمهوری خلق چین نسبت به کشورهای حاشیه خلیج فارس و اثرگذاری این سیاست‌ها در تعاملات بین کشورهای مذکور باشد، موجود نیست. همچنین با بررسی منابع لاتین به‌صورت محدود مطالبی یافت می‌شود؛ اما در این آثار همان‌گونه که ذکر برخی از آنها رفت روابط طرفین به‌صورت کاملاً محدود و معمولاً از یک منظر خاص مورد بررسی قرار گرفته است و

1. Fulton, Jonathan
2. Dongmei Chen
3. Yang

هیچ‌یک به‌صورت جامع به روابط طرفین از منظر میان‌منطقه‌ای نپرداخته‌اند؛ بنابراین نتایج بررسی‌های صورت‌گرفته نشان‌دهنده این است که در رابطه با پرسش این پژوهش خلأ پژوهشی عمیق وجود دارد و حصول به فهم دقیق از سطح مراودات و عمق راهبردی جمهوری خلق چین در منطقه غرب آسیا به‌ویژه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از منظر میان منطقه‌ای یک ضرورت نظری و کاربردی مهم می‌باشد.

۳. چارچوب نظری؛ میان منطقه‌گرایی

پس از جنگ جهانی دوم تغییراتی عمده در ویژگی‌های نظام بین‌الملل ایجاد شد که نقش مسائل اقتصادی را نسبت به سایر مسائل نظام بین‌الملل بیشتر کرد. از جمله ویژگی‌های بارز این نظام، پیچیدگی و روابط گسترده و متداخل می‌باشد و دلایل متعددی مثل تحولات عمیق در ارتباطات، حجم گسترده مبادلات اقتصادی و... نیاز به یک ابزار نظری جدید برای درک نظام بین‌الملل را پدید آورد. این تغییرات در گستره ژئواستراتژیک منجر به تغییراتی شده است که با چندجانبه گرایی و دوجانبه‌گرایی در قالب روابط میان منطقه‌گرایی همراه است. میان منطقه‌گرایی یکی از حوزه‌های مطالعاتی جدید در رشته روابط بین‌الملل محسوب می‌شود. گرچه این حوزه مطالعاتی جدید محسوب می شود، اما با مطالعه تاریخ تکوین این حوزه می‌توان دریافت که میان منطقه‌گرایی در عرصه بین‌المللی یکی از متغیرهای تاثیرگذار بر روندهای همگرایی در حوزه‌های متنوع بوده است. میان منطقه‌گرایی علاوه بر همکاری میان بازیگران مختلف در سطحی عمیق‌تر به روابط میان مناطق و سازمان‌های مختلف نیز اشاره دارد. براساس رویکرد میان منطقه‌گرایی، مناطق مختلف در قالب سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی به‌منظور حصول امتیازات و برقراری توازن، به انعقاد توافقاتی اقدام می‌کنند تا مسیر مشخصی را برای فعالیت متقابل با دیگر بازیگران مشخص نمایند. تجزیه و تحلیل میان‌منطقه‌ای را می‌توان در مورد روابط مناطق مختلف نظام بین‌الملل و یا روابط دولت‌ها و مناطق نظام بین‌الملل بکار گرفت. این رویکرد نظری بر روابط شبکه‌ای و نهادینه شده میان مناطق جهان تاکید دارد(Hanggi, 2006, 3) با استفاده از این تعریف می‌توان با استفاده از تجزیه و تحلیل میان منطقه‌ای الگوهای فعل و انفعالات دولت‌ها و سازمان‌ها را در یک چارچوب منطقه‌ای و میان‌منطقه‌ای مورد تحلیل و بررسی قرار داد. در این راستا موقعیت و جایگاه دولت‌ها بصورت منفرد و در تعامل با یکدیگر مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و سپس اطلاعات بیشتری در مورد ساختار تعاملات میان‌منطقه‌ای فراهم می‌شود. محیط جدید بین‌المللی تحت تاثیر روند میان منطقه‌گرایی دچار تحولاتی

ژرف در ابعـاد سیاسـی و اقتصـادی شـده اسـت و بـا تاثیرگـذاری بـر روندهـای منطقـه‌ای منجـر بـه شـکل‌گیری شـبکه‌ای از مناطـق بـه هـم پیوسـته در گسـتره ژئواسـتراتژیک شـده اسـت کـه ایـن شـبکه عظیـم در حوزه‌هـای اقتصـادی و سیاسـی بـه یکدیگـر متصـل شـده‌اند و باعـث شـکل‌گیری وضعیـت میـان منطقـه‌ای بصـورت همـکاری جویانـه و رقابتـی گردیـده اسـت(Kolaii, 2013: 35-72).

در ایـن پژوهـش از یـک سـو تـلاش می‌شـود بـا بهره‌گیـری از ایـن چارچـوب نظـری الگوهـای همـکاری متقابـل میـان جمهـوری خلـق چیـن و کشـورهای شـورای همـکاری خلیـج فـارس مـورد تبییـن قـرار گیـرد و از سـوی دیگـر تاثیـر روابـط میـان منطقـه‌ای بـر روابـط درون منطقـه‌ای در شـورای همـکاری خلیـج فـارس بررسـی شـود. بـا کاربسـت چارچـوب نظـری روابـط میان‌منطقـه‌ای پیچیدگی‌هـا و روابـط در هـم تنیـده کنشـگران در گسـتره واقعـی نظـام بین‌الملـل بصـورت دقیق‌تـر بـه تصویـر کشـیده می‌شـود. در ایـن راسـتا دولـت جمهـوری خلـق چیـن تـلاش دارد از مرزهـای ملـی خود خـارج شـود و مرزهـای خود را به‌سـوی دیگـر بازیگـران بین‌المللـی بـرای جـذب فناوری‌هـای نویـن، سـرمایه‌گذاری‌های خارجـی، دسترسـی بـه مـواد اولیـه ارزان و صـادرات محصـولات فـراوری شـده بـاز کنـد؛ بنابرایـن شـرکت‌های چینـی حاضـر در منطقـه خاورمیانـه به‌ویـژه در قالـب شـورای همـکاری خلیـج فـارس به‌واسـطه ظرفیت‌هـای مناسـب منطقـه و بـا ایجـاد رژیم‌هـای منطقـه‌ای فرصـت بهره‌منـدی از ظرفیت‌هـا و سـرمایه‌های منطقـه را بـه دسـت آورده و باعـث انتفـاع متقابـل می‌شـوند و بـه ارتقـای سـطح همکاری‌هـای اقتصـادی، تولیـدی، سـرمایه‌گذاری و... مبـادرت می‌نماینـد. چیـن ضمـن ارتقـای همـکاری صنعتـی و تولیـدی بـا کشـورهای شـورای همـکاری خلیـج فـارس، در سـال ۲۰۰۴ مجمـع همـکاری چیـن_ کشـورهای عربـی را تأسـیس کـرد. سـپس در سـفر رئیس‌جمهـور سـابق چیـن هـو جیـن تائـو در سـال ۲۰۰۶ بـه ریـاض دو کشـور در ایجـاد «روابـط دوسـتانه اسـتراتژیک» بـه توافـق رسـیدند کـه در راسـتای تعریـف رژیم‌هـای بین‌المللـی به‌عنـوان مولفـه‌ای مهـم از رویکـرد وابسـتگی متقابـل قابـل تبییـن اسـت. در راسـتای تامیـن نیازهـای متقابـل جمهـوری خلـق چیـن و شـورای همـکاری خلیـج فـارس روابـط طرفیـن در ژوئـن ۲۰۱۴ طـی ششـمین نشسـت وزیـران مجمـع همـکاری چیـن و کشـورهای عربـی و در چهارچـوب سـه سـند «بیانیـه پکـن»، «برنامـه اقـدام ۲۰۱۴ تـا ۲۰۱۶»، «برنامـه توسـعه ۲۰۱۴-۲۰۲۴» و «اسـتراتژی همـکاری جامـع تحـت عنـوان ۱+۲+۳ » افزایـش پیـدا نمـوده اسـت. تحت‌تأثیـر اسـتراتژی همـکاری جامـع تحـت عنـوان ۱+۲+۳ طرفیـن از ظرفیت‌هـای مرتبـط بـا فنـاوری، تجـارت و سـرمایه‌گذاری، انـرژی هسـته‌ای، فنـاوری هوافضـا و انرژی‌هـای جدیـد، سـاخت زیرسـاخت‌ها و شـبکه‌های تجـاری یکدیگـر اسـتفاده می‌کننـد کـه در ضمـن آن بازارهـای مصـرف چشـمگیری بـرای طرفیـن ایجـاد شـده و در نتیجـه بـه تقویـت مناسـبات

اقتصـادی و ارتقـای کیفیـت و کمیـت مـراودات طرفیـن منجـر شـده اسـت(Fulton, 2020: 4-10). بنابرایـن از یـک سـو شـاهد تقویـت روابـط کشـورهای عضـو شـورای همـکاری خلیـج فـارس بـا جمهوری خلـق چیـن در قالـب روابـط میـان منطقـه‌ای و از سـوی دیگـر افزایـش سـطح همـکاری و رقابـت بیـن اعضـای شـورای همـکاری خلیـج فـارس در پیشـبرد اهـداف و منافـع دوجانبـه و چندجانبـه در نسـبت بـا جمهـوری خلـق چیـن هسـتیم. بـه عبـارت دیگـر شـورای همـکاری خلیـج فـارس تحـت تاثیـر رونـدهـای میان‌منطقه‌گرایـی پویایـی بیشـتری یافتـه و ضمـن بـروز تداخـل و تقویـت سـاختاری- نهـادی بسـیاری از مولفه‌هـای سـاختاری و نهـادی آن تحـت تاثیـر رقابت‌هـا و همکاری‌هـای بین‌المللـی قـرار گرفتـه اسـت.

٤. رویکرد اقتصادی چین نسبت به اقتصاد سیاسی بین‌الملل

سـاختار سیاسـی و اقتصـادی نظـام کمونیسـتی مائوئیسـی چیـن طـی ۴ دهـه اخیـر تحت‌تأثیـر روزافـزون نیروهـای جهانی‌شـدن و نیروهـای داخلـی ایـن کشـور دسـتخوش تحـولات سـاختاری مسـتمر شـده اسـت. ایـن تغییـرات در اصلاحیه‌هـای مکـرر قانـون اساسـی چیـن در سـال‌های ۱۹۸۲ و ۱۹۸۸ و ۱۹۹۳ و ۱۹۹۹ و ۲۰۰۷ تبلوریافتـه به‌گونـه‌ای کـه قانـون اساسـی چیـن از سـال ۱۹۸۲ بـه طـور متوسـط هـر ۵ سـال یکبـار شـاهد اصـلاح و بهبـود بـوده اسـت در سـاختارهای تعریـف شـده و قانـون اساسـی جدیـد ضمـن تأکیـد بـر حرکـت کشـور به‌سـوی سوسیالیسـم (اصـل دوم) مفاهیمـی مثـل اقتصـاد سوسیالیسـتی بـازار (اصـل یازدهـم)، تکامـل سوسـیال دموکراسـی، تبدیـل چیـن از یـک کشـور نودموکـرات بـه جامعـه سوسیالیسـم(مقدمـه) برخـوردار از حقـوق سیاسـی مدنـی مبتنـی بـر ارزش‌هـای چینی(اصـول ۳۳ تـا ۵۴) موردتوجـه قـرار گرفتـه اسـت. اصلاحـات سیاسـی جدیـد از جملـه دربردارنـده مفاهیـم حقـوق بشـری در یـک فصـل کامـل(فصـل دوم) می‌باشـد کـه حاکـی از تحـولات سـاختارهای سیاسـی چیـن در همسـویی بـا تحـولات جهانـی اسـت. تحـولات اقتصـاد سیاسـی جهانـی و تعامـل اقتصـاد و سیاسـت در چیـن باعـث تغییـر سیاسـت خارجـی توسـط دنـگ شـیائو پینـگ، جیانـگ زمیـن و هوجیـن تائـو در مسـیر نیروهـای جهانی‌شـدن گردیـده اسـت(Khani Joyabad, 2017: 88-100).

بنابرایـن خـط سـیر سیاسـت خارجـی دولـت در چیـن بـر مبنـای الگـوی اقتصـاد سیاسـی جهانـی از مائوئیسـم و انقلابی‌گـری بـه میانـه‌روی و محافظـه‌کاری گرایـش یافتـه، به‌گونـه‌ای کـه وابسـتگی متقابـل عرصه‌هـای داخلـی چیـن بـا اقتصـاد جهانـی بـه سـمتی پیـش رفتـه کـه دیگـر نـه چیـن می‌توانـد مسـتقل از نیروهـای جهانی‌شـدن بـه اسـتمرار رشـد اقتصـادی دسـت یابـد و نـه افزایـش نـرخ رشـد اقتصـاد جهانـی بـدون همـکاری چیـن ممکـن اسـت.(Kashian, 2021: 80) در ایـن راسـتا تحـت تاثیـر فراینـد

مذکـور و تغییـرات در سیاسـت اقتصـادی جمهـوری خلـق چیـن مطابـق داده‌هـای جـدول(۱) نـرخ تولیـد ناخالـص داخلـی کشـور چیـن طـی سـال‌های ۱۹۹۰ تـا ۲۰۲۳ افزایـش ۱۲ برابـری را نشـان می‌دهـد، درحالیکـه ایـن میـزان در سـطح جهانـی ۴/۵ برابـر رشـد داشـته اسـت.

جدول ۱. تولید ناخالص داخلی چین و جهان(میلیون دلار) (UNCTAC,2024)

سال/کشور	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۱۰	۲۰۱۹	۲۰۲۳
چین	۳۴۹/۵۶۶	۱/۲۱۱/۳۳۱	۶/۰۷۸/۱۹۲	۱۴/۲۲۸/۹۶۸	۱۹/۲۶۷/۹۸۵
جهان	۲۲/۹۷۳/۵۶۹	۳۳/۶۲۰/۶۶۶	۶۶/۲۳۱/۸۲۹	۸۷/۶۹۱/۵۰۱	۱۰۵/۴۲۵/۵۸۷
نسبت GDP چین به جهان(٪)	۱/۵	۳/۶	۹/۱	۱۶/۲	۱۸

۵. فرایند شکل‌گیری و توسعه روابط چین و منطقه خاورمیانه

رویکـرد چیـن بـه منطقـه خاورمیانـه تـا حـدود زیـادی تحـت تاثیـر نظـم بین‌المللـی پـس از پایـان جنـگ سـرد می‌باشـد. در ایـن راسـتا نقـش ویـژه ایـالات متحـده و معمـاری امنیتـی مدنظـر ایـن کشـور در قالـب اسـتراتژی حفـظ وضـع موجـود قـرار داشـته و چتـر امنیتـی آن بـه چیـن کمـک کـرده تـا خـود را به‌عنـوان یـک قـدرت برتـر اقتصـادی و سیاسـی در منطقـه خاورمیانـه تثبیـت کنـد. در ایـن راسـتا پکـن حضـور خـود در منطقـه خاورمیانـه را از طریـق برقـراری روابـط مشـارکتی در سـطوح مختلـف پی‌ریـزی نمـوده و همـکاری و تعامـل اقتصـادی خـود بـا کشـورهای منطقـه را بـا اهتمـام بـه سـه اصـل افزایـش داده اسـت: برقـراری ارتبـاط بـا همـه کشـورهای منطقـه، عـدم جانبـداری از رقبـای منطقـه‌ای و اجتنـاب از ایجـاد چالـش بـا ایـالات متحـده. به‌این‌ترتیـب تغییـرات در رفتـار سیاسـت خارجـی چیـن به‌خصـوص بعـد از ۲۰۱۳ کـه اقتصـاد ایـن کشـور وارد مرحلـه جدیـدی نسـبت بـه دوره ۱۹۹۹ تـا ۲۰۱۲ گردیـد، منجـر بـه ظهـور ایـن کشـور به‌عنـوان یـک بازیگـر مهـم در منطقـه خاورمیانـه شـده اسـت. افزایـش سـریع قیمـت نفـت پـس از ۲۰۰۳ و کمبـود منابـع هیدروکربنـی نیـز بـر مبنـای همیـن تحـولات بـه وقـوع پیوسـت؛ بنابرایـن چیـن انگیـزه منطقـی بـرای حصـول اطمینـان از ادامـه دسترسـی بـه ایـن منابـع در چهارچـوب توسـعه مناسـبات متقابـل بویـژه بـا کشـورهای نفت‌خیـز منطقـه خاورمیانـه باتوجـه بـه توانمنـدی ایـن کشـورها در افزایـش واردات کالاهـای چینـی دارا می‌باشـد.(Niblock, 2020:19)

رویکـرد چیـن بـا نـگاه اسـتراتژی مشـارکتی در مقابـل مفهـوم اتحـاد به‌عنـوان راهبـرد عمـده سـایر

قدرت‌هـای بازیگـر در منطقـه از ویژگی‌هـای بـارز دکتریـن و اسـتراتژی سیاسـت خارجـی پکـن در منطقـه خاورمیانـه تلقـی می‌گـردد؛ رویکـرد مشـارکتی چینی‌هـا مزیـت انعطاف‌پذیـری را کـه بـر اسـاس نفـع متقابـل بنـا شـده و زمینـه را بـرای پوشـش طیـف گسـترده‌ای از موضوعـات فراهـم می‌سـازد، شـامل می‌شـود. در ایـن راسـتا مسـائل بالقـوه تنـش‌زا از متـن بـه حاشـیه کشـیده شـده و سـرمایه‌گذاری در قالـب روابـط مبتنـی بـر امنیـت اقتصـادی بیـن چیـن و کشـورهای منطقـه به‌سـرعت گسـترش‌یافته کـه نتیجـه آن قراردادهـا و مشـارکت‌های چیـن در خاورمیانـه بـه شـرح جـدول(۲) می‌باشـد .(Fulton, 2019: 4)

جدول ۲. سطح همکاری و توافقات چین در منطقه خاورمیانه (Fulton, 2019: 4)

کشور	سطح همکاری / توافق	سال انعقاد توافق
ایران	مشارکت جامع استراتژیک	۲۰۱۶
عربستان	مشارکت نفتی استراتژیک	۱۹۹۹
عربستان	روابط دوستانه استراتژیک	۲۰۰۶
عربستان	مشارکت جامع استراتژیک	۲۰۱۶
امارات	مشارکت جامع استراتژیک	۲۰۱۸
کشورهای عربی	مجمع همکاری چین و کشورهای عربی(CASCF)	۲۰۰۴
کشورهای عربی	برنامه اقدام ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶	۲۰۱۴
کشورهای عربی	برنامه توسعه ۲۰۱۴-۲۰۲۴	۲۰۱۴
کشورهای عربی	الگوی همکاری ۳+۲+۱	۲۰۱۴
کشورهای GCC	موافقتنامه چارچوب همکاری اقتصادی، تجاری، سرمایه‌گذاری و فناوری	۲۰۰۴
کویت	مشارکت استراتژیک	۲۰۱۸
عمان	مشارکت استراتژیک	۲۰۱۸
قطر	مشارکت استراتژیک	۲۰۱۴
عراق	مشارکت استراتژیک	۲۰۱۵
رژیم صهیونیستی	مشارکت جامع نوآورانه	۲۰۱۷

چین به سه دلیل گرایش روبه‌رشدی به منطقه خاورمیانه دارد نخست موضوع انرژی است؛ زیرا منطقه خاورمیانه یکی از محورهای اصلی تأمین‌کننده انرژی این کشور می‌باشد و اقتصاد پویا و درحال‌رشد آن نیاز جدی به انرژی سرشار منطقه دارد. چین در حال تبدیل‌شدن به بزرگ‌ترین واردکننده انرژی منطقه حتی بیشتر از آمریکاست در سال ۲۰۱۶ منطقه خاورمیانه ۴۸.۱ درصد از کل انرژی چین در مقایسه با آفریقا با ۱۷.۷ درصد، آمریکا با ۶/۱۳درصد، اروپا و حوزه شوروی سابق با ۱۵ درصد انرژی چین را تأمین کرده است(Tamimi,2017,613). مطابق داده‌های جدول(۳) پیش‌بینی می‌شود مصرف نفت چین در سال ۲۰۳۰ به میزان ۱۵/۵ و سال ۲۰۴۰ به ۱۷/۵ میلیون بشکه در روز افزایش پیدا کند که با وجود منابع داخلی برای ۷۰ تا ۸۰ درصد این میزان نیازمند واردات است. مصرف نفت هند نیز به همین ترتیب به سرعت افزایش خواهد یافت و از ۲ / ۳ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۱ به ۸ / ۶ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۴۰ افزایش خواهد یافت از سوی دیگر، نیاز ژاپن به نفت از سال ۲۰۰۵ کاهش یافته و این روند ادامه خواهد داشت. با توجه به پیشرفت های تکنولوژیک در بهره برداری از گاز و نفت شیل، واردات نفت ایالات متحده در آینده به شدت کاهش خواهد یافت و حتی ممکن است از نظر منابع انرژی خودکفا شود. از این رو تجارت نفت بین چین و کشورهای منطقه خاورمیانه به طور فزاینده‌ای قابل توجه خواهد بود. (U.S. Energy Information Administration, 2013: 159)

جدول ۳. مصرف جهانی نفت (۲۰۱۱-۲۰۴۰، بر حسب میلیون بشکه در روز)

کشور/ها	۲۰۱۱	۲۰۲۰	۲۰۳۰	۲۰۴۰
چین	۹/۸	۱۳/۲	۱۵/۵	۱۷/۵
OECD	۱۴/۲	۱۳/۸	۱۳/۹	۱۴/۲
هند	۳/۲	۴/۲	۵/۶	۶/۸
ایالات متحده	۱۸/۶	۱۹/۴	۱۸/۷	۱۸/۶
ژاپن	۴/۴۶	۴/۴۱	۲/۶۶	۳/۹

علاوه بر مسئله انرژی یکی از موضوعاتی که برای چین اهمیت ویژه دارد حفظ امنیت کشتیرانی مناطق پیرامونی برای انتقال انرژی و کالاهای اقتصادی است. در این رابطه خاورمیانه به‌واسطه قرارداشتن در مسیرهای اصلی ارتباطی اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا ۹۰ درصد تجارت

خارجی چین، ۹۸ درصد واردات سنگ‌آهن، ۹۱ درصد واردات نفت خام و ۹۹ درصد واردات مواد غذایی آن از طریق چهار معبر مالاکا، تنگه هرمز، تنگه باب المندب و کانال سوئز صورت می‌گیرد.(Al-Tamimi, 2017: 611) بنابراین چین نیاز دارد رابطه خود را با کشورهای خاورمیانه در سطوح مطلوب حفظ و تقویت نماید. به این ترتیب حفظ ثبات کشتیرانی و مناطق مدنظر از اولویت‌های مهم این کشور است.

به دلیل جایگاه حیاتی منطقه خاورمیانه در پیشبرد اهداف چین رویکرد این کشور به منطقه در حوزه اقتصادی، دیپلماتیک و تا حدی امنیتی پیچیده‌تر شده است. این مسئله در دو «مقاله چشم‌انداز و اقدامات برای ایجاد کمربند اقتصادی جاده ابریشم و جاده ابریشم دریایی قرن بیست و یکم» و «مقاله سیاست عربی چین» منعکس شده است. مقاله چشم‌انداز و اقدامات پنج اولویت همکاری برای توسعه روابط با کشورهای مشارکت‌کننده در این ابتکار را اعلام می‌کند: هماهنگی سیاسی، اتصال تسهیلات، تجارت بدون مانع، یکپارچگی مالی و ارتباطات مردمی. اولویت‌های مذکور نقشه راهی برای توسعه روابط کشور چین با منطقه خاورمیانه ترسیم می‌کند. «مقاله سیاست عربی چین» نیز همزمان با نخستین سفر ریاست‌جمهوری شی جین پینگ به برخی کشورهای منطقه خاورمیانه منتشر شد چشم‌انداز چین در منطقه را ترسیم می‌کند که مطابق آن چین مایل است استراتژی‌های توسعه را با کشورهای منطقه هماهنگ کرده و سطح تعاملات چندجانبه با کشورهای عربی را افزایش دهد. محور اصلی دستیابی به اهداف مذکور الگوی همکاری ۳+۲+۱، پروژه کمربند جاده منطقه خاورمیانه و... است.(Fulton,2019: 11) در راستای برنامه‌های یاد شده تجارت دوجانبه بین چین و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در اواخر دهه ۲۰۱۰ چندین برابر شده و در سال ۲۰۱۸ به حدود ۱۶۳ میلیارد دلار رسیده و در حال حاضر بزرگ‌ترین شریک تجاری کشورهای کویت، عمان، عربستان و امارات است.(Al-Tamimi, 2019: 26)

مبانی و اصول سیاست اقتصادی چین در منطقه خاورمیانه در کتاب سفید ۲۰۱۶ تبلور یافته و بر صادرات ظرفیت صنعتی، همکاری‌های اقتصادی غیرنظامی، انرژی‌های سنتی و نو و ماهواره‌های فضایی متمرکز است. چین بیش از نیمی از صادرات جهانی را طی سه دهه ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۰ به خود اختصاص داده و به‌وسیله ادغام تولید داخلی در شبکه‌های تولید جهانی توانسته به‌عنوان یک سکوی مهم صادراتی در چرخه ارزش اقتصاد جهانی جایگاه خود را تثبیت نماید؛ بنابراین حوزه تولید به‌عنوان بارزترین جلوه انباشت قدرت در اقتصاد سیاسی چین متبلور شده

و رشد مداوم اقتصادی این کشور و ضرورت اتصال به مدارهای تولید، صادرات و جذب مواد خام جذابیت‌های منطقه خاورمیانه را به امری حیاتی و گریزناپذیر در فضای اقتصاد سیاسی این کشور تبدیل نموده است.

٦. اهداف راهبردی مشارکت چینی و روابط با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس

پوشش استراتژیک چارچوبی مفید برای درک رویکرد چین برای توسعه روابط با شورای همکاری خلیج فارس است. در این راستا اگر چین بخواهد با ایالات متحده در منطقه خاورمیانه همکاری نزدیک داشته باشد؛ برتری ایالات متحده را تقویت خواهد نمود. برای چین به‌عنوان یک قدرت درجه دوم که سعی دارد بدون برهم‌زدن وضع موجود و به چالش کشیدن قدرت برتر حضور منطقه‌ای خود را توسعه دهد، پوشش استراتژیک به جای اتحاد و بی‌طرفی مطلق به‌عنوان مجموعه‌ای از استراتژی‌ها با هدف اجتناب از موقعیتی که دولت‌ها نمی‌توانند درباره آن تصمیم بگیرند، جایگزین مناسبی می‌باشد. در چارچوب راهبرد مذکور در درجه اول قدرت فرامنطقه‌ای حضور منطقه‌ای خود را با استفاده از ابزارهای اقتصادی و سپس با توسعه آرام حضور سیاسی و امنیتی گسترش می‌دهد. این توصیف دقیقی از چگونگی توسعه روابط چین با شورای همکاری خلیج فارس و کشورهای منطقه خاورمیانه است؛ بنابراین با حفظ یک رابطه اقتصادی قوی چین می‌تواند بدون پرداخت هزینه‌های سنگین امنیت در منطقه از نظم منطقه‌ای که ایالات متحده ایجاد می‌کند، استفاده نموده و با پرهیز از برقراری روابط امنیتی عمیق با کشورهای منطقه از بروز حساسیت در ایالات متحده اجتناب نماید(Guzansky, 2015: 119). جدول شماره(۲) سطوح متفاوت مشارکت چین را نشان می‌دهد. مشارکت‌های راهبردی چین دامنه‌ای سلسله مراتبی از روابط است که شامل مشارکت همکاری جویانه در پایین‌ترین سطح تا مشارکت راهبردی جامع در بالاترین سطح می‌شود. طی دهه ۲۰۱۰ این الگو توسط جمهوری خلق چین در نسبت با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بصورت ویژه منعقد و پیگیری شده است و با بهره‌گیری از رویکرد پوشش استراتژیک به توسعه حضور و روابط خود با اعضای شورای همکاری خلیج فارس مبادرت نموده است.

در این راستا چین جاه‌طلبی ایجاد شبکه‌ای از مشارکت‌های جهانی را دارد و از آنجایی که منطقه خلیج فارس به دلیل مرکزیت آن در خاورمیانه و گستردگی آن برای مشارکت استراتژیک چین از اهمیت زیادی برخوردار است، چین با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس دو

توافقنامه مشارکت استراتژیک برتر خود را منعقد کرده است. مطابق داده‌های جدول(۳) چین در سال ۲۰۱۶ در جریان سفر شی جین پینگ، رئیس جمهور چین به عربستان، شراکت راهبردی همه‌جانبه خود را با عربستان سعودی اعلام کرد و همین امر در سال ۲۰۱۸ در سفر به امارات متحده عربی انجام شد و چین بالاترین سطح شراکت خود را با این دو امضا کرد. در حالی‌که دومین توافق‌نامه عالی خود یعنی همکاری استراتژیک با قطر در سال ۲۰۱۴، عمان در ۲۰۱۸ و کویت در ۲۰۱۸ امضا شد. بنابراین طی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ الگوی مشارکت چینی با اعضای شورای همکاری خلیج فارس مورد توافق قرار گرفت. در این راستا برای ایجاد چارچوب هماهنگی سیاست با ایجاد «کمیته مشترک عالی‌رتبه[۴]» به ریاست مشترک محمد بن سلمان و ژانگ گائولی[۵] معاون نخست‌وزیر شورای دولتی چین شکل‌گرفته است. HLJC یک مجمع منظم در سطوح بالا فراهم ساخته که در آن مقامات می‌توانند اهداف سیاسی خود را بهتر هماهنگ کنند و روابط را بیشتر تقویت کنند. مجمع مذکور اولین نشست خود را در اوت ۲۰۱۶ و دومین جلسه را یک سال بعد در ریاض برگزار کرد طی سال ۲۰۱۶ این مجمع ۱۵ موافقت‌نامه و تفاهم‌نامه برای پروژه‌های همکاری انرژی، معدن، توسعه، مسکن، فرهنگی و علم و فناوری امضا کرد. سفر ملک سلمان در مارس ۲۰۱۷ در قالب HLJC باعث شکل‌گیری چندین تفاهم‌نامه دیگر گردید و ۲۱ قرارداد به ارزش ۶۵ میلیارد دلار در زمینه‌های نفت و پتروشیمی، انرژی‌های تجدیدپذیر و تجارت الکترونیک امضا شد. در چارچوب مجمع مذکور طی سال ۲۰۱۷ همکاری‌های طرفین بیشتر توسعه یافت؛ به‌گونه‌ای که ژانگ معاون نخست‌وزیر چین روابط دوجانبه بین طرفین را واردشدن به عصری جدید، قوی‌تر، پایدارتر و پربارتر توصیف کرد. نشست سال ۲۰۱۹ مجمع مذکور نیز در پکن برگزار شد که منجر به طیف گسترده‌ای از معاملات و تفاهم‌نامه‌ها شد(Fulton, 2020: 11)

بنابراین پوشش استراتژیک از یک سو چارچوبی مفید برای درک رویکرد چین برای توسعه روابط با شورای همکاری خلیج فارس است و از سوی دیگر تلاش و رقابت اعضای شورا در جهت افزایش همکاری با چین به عنوان یک قدرت اقتصادی مهم در نظام بین‌الملل را به نمایش می‌گذارد. در راستای تقویت رقابت بین اعضای شورای همکاری خلیج فارس مطابق داده‌های جدول شماره (۳) کشورهای شورا بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ و پس از انعقاد توافق

4. High Level Joint Committee(HLJC)
5. Zhang Gaoli

اولیه مشارکت استراتژیک بین چین و قطر تلاش داشته‌اند سطح همکاری‌های دوجانبه بین خود و چین را تقویت نمایند که در مجموع در فاصله زمانی مذکور کلیه کشورهای شورا توافقات دوجانبه با چین را نهایی نموده‌اند.

جدول(۳) سطح همکاری و توافقات چین و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس (Fulton, 2019: 4)

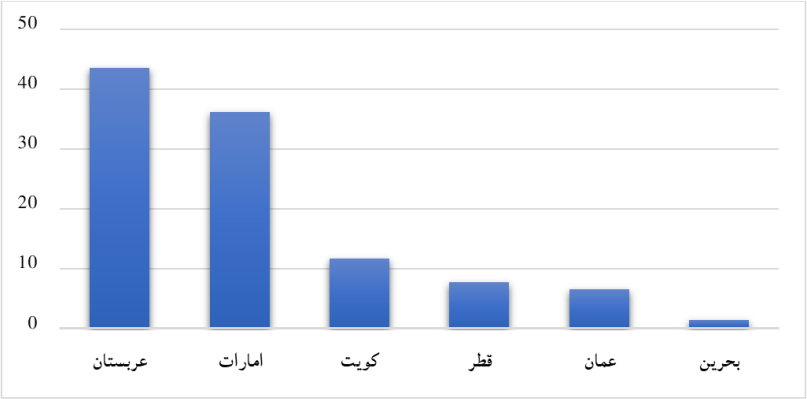
کشور	سطح همکاری / توافق	سال انعقاد توافق
عربستان	مشارکت جامع استراتژیک	۲۰۱۶
امارات	مشارکت جامع استراتژیک	۲۰۱۸
کویت	مشارکت استراتژیک	۲۰۱۸
عمان	مشارکت استراتژیک	۲۰۱۸
قطر	مشارکت استراتژیک	۲۰۱۴

۷. ابتکار کمربند جاده چین؛ سرمایه‌گذاری و چشم‌انداز کشورهای شورای همکاری خلیج فارس

موقعیت و نقش ژئواستراتژیک شورای همکاری خلیج فارس به‌عنوان یک سازمان منطقه‌ای مهم در خاورمیانه همراه با برنامه‌های توسعه بلندپروازانه، کشورهای عضو را به شریکی مهم در ابتکار کمربند جاده[6] برای چین تبدیل کرده است. از زمان پیشنهاد رییس‌جمهور شی در سال ۲۰۱۳ ابتکار کمربند و جاده توجه جهانی را به خود جلب کرد. در این زمینه Zhanlue duijie که به معنای «هماهنگی استراتژی‌های توسعه» بین چین و سایر کشورها در چهارچوب BRI است به یک اولویت در دستورکار سیاست خارجی چین تبدیل شد. رابطه چین با منطقه خلیج فارس به صراحت حول محور ابتکار یک کمربند و یک راه است که در سال ۲۰۱۳ راه‌اندازی شد. همکاری اقتصادی و محوریت توسعه رویکرد چین به منطقه در قالب دو سند اصلی دولت چین منعکس شده است: «چشم انداز و اقدامات در سال ۲۰۱۵ برای ساخت مشترک جاده ابریشم جاده ابریشم جاده ابریشم» و «سند سیاست عربی». این مطالعات مشارکت بین دو طرف در مسائل متعدد را با تمرکز بر تجارت، سرمایه‌گذاری، انرژی و توسعه زیرساخت‌ها تشریح می‌نماید. سرمایه‌گذاری چین در کشورهای خلیج‌فارس در سال‌های اخیر به‌طور قابل‌توجهی

6. Belt and Road Initiative(BRI)

افزایش یافته است و تقریباً هر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در قالب ابتکار کمربند جاده طبقه‌بندی شده است. روابط اعضای شورای همکاری خلیج فارس از نظر سرمایه‌گذاری در قالب ابتکار کمربند جاده طی دهه اخیر شتاب قابل‌توجهی وجود داشته است. براساس داده‌های اعلام‌شده توسط موسسه آمریکا اینترپرایز میزان سرمایه‌گذاری و پروژه‌های عمرانی چین طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۱، شامل ۴۳/۴۷ میلیارد دلار در عربستان سعودی، ۳۶/۱۶ میلیارد دلار در امارات، ۱۱/۷۵ میلیارد دلار در کویت، ۷/۸ میلیارد دلار در قطر، ۶/۶۲ میلیارد دلار در عمان و ۱/۴۲ میلیارد دلار در بحرین بوده است .(energypress, 2023) روند مذکور از یک سو نشان دهنده تقویت همکاری‌های دوجانبه و چند جانبه بین طرفین و از سوی دیگر نشان دهنده افزایش همکاری‌های درون منطقه‌ای بین اعضای شورا در قالب سند سیاست عربی، موافقت‌نامه منطقه آزاد تجاری با چین و ... است.



نمودار ۱. میزان سرمایه‌گذاری چین در کشورهای منطقه حوزه خلیج فارس ۲۰۲۱- ۲۰۰۵ (میلیارد دلار)
Source:https://energypress.ir

در قالب ابتکار کمربند جاده تقریباً همه کشورهای حاشیه خلیج فارس ازجمله عربستان سعودی در چشم انداز ۲۰۳۰ و کویت در چشم‌انداز ۲۰۲۵، برنامه‌های توسعه اقتصادی ملی خود را با ابتکار کمربند جاده چین هماهنگ کرده‌اند. چین و عربستان سعودی برای گسترش همسویی ابتکار کمربند جاده و چشم‌انداز ۲۰۳۰ یک کمیسیون همکاری در سطح بالا ایجاد کردند. لی هوآکسین سفیر چین در عربستان سعودی در آگوست ۲۰۱۶ در مصاحبه با تلویزیون

عربستان سعودی تأکید داشت که چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی با فرصت‌های همکاری دوجانبه فراوان به‌خوبی با ابتکار کمربند جاده چین مطابقت دارد. بنابراین به دلیل تأثیرات اقتصادی گسترده ابتکار کمربند جاده چین شاهد تسریع در تقویت روابط بین اعضای شورای همکاری خلیج فارس و چین هستیم. در این راستا در ژوئن سال ۲۰۱۴ رئیس‌جمهور شی با شرکت در مراسم افتتاحیه ششمین کنفرانس وزیران مجمع همکاری چین کشورهای عربی[۷] همکاری برد_ برد بین چین و کشورهای عربی برای ترویج روح جاده ابریشم را تشویق کرد و در ژانویه ۲۰۱۶ دولت چین اولین سند سیاست عربی چین را منتشر کرد و اصول راهنمای روابط اعراب چین را نشان داد.(Yenigun, 2022: 173) بنابراین وقتی صحبت از تعامل چین و شورای همکاری خلیج فارس از طریق ابتکار کمربند جاده به میان می‌آید می‌توان تاکید کرد که کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با همسو کردن استراتژی‌ها یا اهداف توسعه خود با اهداف ابتکار مذکور به‌ویژه همکاری اقتصادی، کریدورهای تجاری و ایجاد مناطق حیاتی اقتصادی، و تمرکز بر پروژه‌های زیرساختی در ابتکار مذکور ادغام شده‌اند و حمایت چین از ابتکار کمربند جاده نه تنها باعث تسهیل، افزایش رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری و ارتباط بین چین و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس شده؛ بلکه تقویت همکاری و رقابت نهادی در قالب شورای همکاری خلیج فارس را در پی داشته است.

۸. موافقت‌نامه منطقه آزاد تجاری چین و شورای همکاری خلیج فارس

در سال ۱۹۹۶، جمهوری خلق چین و شورای همکاری خلیج فارس یک مکانیسم مشاوره اقتصادی و سیاسی ایجاد کردند که فرصت‌های هماهنگی را در زمینه‌های مورد علاقه دوجانبه افزایش دهد. در قالب این مکانیسم در ژوئیه 2004، چین و شورای همکاری خلیج فارس موافقتنامه چارچوب همکاری‌های اقتصادی، تجاری، سرمایه‌گذاری و فناوری را در بیجینگ امضا کردند. این موافقت‌نامه با هدف تشویق همکاری و مبادلات فناوری در زمینه‌های مختلف، گسترش مبادلات تجاری دوجانبه، تشویق مبادلات بین اتحادیه‌های تجاری دو طرف و ارتقا سرمایه‌گذاری متقابل امضا شد. در این موافقت‌نامه هم‌چنین ایجاد کمیته مشترکی برای همکاری پیش‌بینی شد که مسئولیت آن اجرای این موافقتنامه و سایر موافقتنامه‌ها یا پروتکل‌های امضا شده بود (Niazi, 2009: 7).

در قالب موافقتنامه چارچوب همکاری‌های اقتصادی، تجاری، سرمایه‌گذاری و فناوری ۲۰۰۴

7. China-Arab States Cooperation Forum (CASCF)

چین و شورای همکاری خلیج فارس مذاکرات منطقه آزاد تجاری را در سپتامبر ۲۰۰۴ آغاز کردند. به گفته مقامات هر دو طرف، منطقه آزاد تجاری چین و شورای همکاری خلیج فارس شامل کاهش تعرفه‌ها، تسهیل جریان تجارت و سرمایه‌گذاری‌های متقابل است. برنامه‌های پیشنهادی شامل تأمین پایدار نفت از شورای همکاری خلیج فارس به چین، گشودن بازار محصولات نفتی چین به روی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و بهره‌برداری مشترک از منابع نفتی آنها است. از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۶، ۹ دور گفتگو بین طرفین بر سر منطقه آزاد تجاری صورت گرفته است. دو طرف پس از توافق بر سر قواعد تجارت کالا در سال ۲۰۰۹ شروع به مذاکره در مورد تجارت خدمات کردند. آنها در مواردی مانند تجارت خدمات، سرمایه‌گذاری و همکاری‌های فنی پیشرفت مثبتی داشته‌اند. تجارت شورای همکاری خلیج فارس و چین در سال ۲۰۱۰ با ایجاد یک «مجمع روابط اقتصادی دوجانبه» تقویت شده است. در سال ۲۰۱۶، چهار دور مذاکره بین طرفین برگزار شد. در دسامبر ۲۰۱۶، طی مذاکرات سه روزه، طرفین مذاکرات عمیقی را درباره محتوای مشکلات باقیمانده مانند تجارت خدمات، سرمایه‌گذاری، تجارت الکترونیک و تجارت کالاها انجام دادند و مذاکرات در بخش‌هایی مانند اقتصادی و همکاری فنی را به فرجام رساندند. تاکنون، طرفین نه دور مذاکره را در پانزده موضوع به اتمام رسانده‌اند که در مورد محتوای سه فصل موانع فنی تجارت، مفاد قانونی و تجارت الکترونیک بوده و در زمینه‌هایی مانند کالاهای اصلی و خدمات پیشرفت مثبتی داشته‌اند(Sazmand, 2021: 636).

یکی از سازوکارهای دیپلماتیک مهم در تقویت موافقتنامه تجارت آزاد بین شورای همکاری خلیج فارس و چین استفاده از گفتگوهای راهبردی چین و شورای همکاری خلیج فارس بوده است که سه جلسه از آن تشکیل شده است. اولین جلسه در ژوئن ۲۰۱۰ در پکن برگزار شد، زمانی که دو طرف یادداشت تفاهمی درباره گفتگوی استراتژیک بین جمهوری خلق چین و شورای همکاری خلیج فارس امضا کردند. در ماه مه ۲۰۱۱، دومین گفت‌وگوی راهبردی در ابوظبی برگزار شد، که در آن دو طرف توافق کردند که یک نشست تخصصی باید در اسرع وقت برگزار شود تا برنامه عملیاتی برای اجرای توافق‌نامه چارچوب و یادداشت تفاهم در زمینه تجارت و سرمایه‌گذاری را فراهم سازد. سومین گفتگوی راهبردی در سال ۲۰۱۴ در پکن برگزار شد، زمانی که دو طرف بر سر ایجاد مشارکت استراتژیک چین و شورای همکاری خلیج فارس توافق کردند. در این دور از گفتگوهای راهبردی، چین و شورای همکاری خلیج فارس همچنین برنامه اقدام در مورد گفتگوی استراتژیک ملی بین جمهوری خلق چین و شورای همکاری

خلیج فارس برای سال های ۲۰۱۴-۲۰۱۷ را امضا کردند که اهداف همکاری را برای هر دو طرف در چندین زمینه مورد علاقه متقابل از جمله روابط سیاسی و اقتصادی، انرژی، حفاظت از محیط زیست و تغییرات آب و هوایی، فرهنگ، آموزش، بهداشت و ورزش مشخص کرد. دو طرف بار دیگر بر لزوم تسریع در مذاکرات تجارت آزاد چین و شورای همکاری خلیج فارس تاکید کردند و این دیدگاه را مشترک داشتند که چین و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس دارای مکمل‌های اقتصادی قوی هستند و ایجاد منطقه تجارت آزاد در راستای منافع مشترک دو طرف است(Xuming, 2017: 16)

۹. روابط چین و شورای همکاری خلیج فارس در قالب الگوی همکاری ۱+۲+۳

الگوی همکاری ۳+۲+۱ طی مجمع همکاری چین و کشورهای عربی در سال ۲۰۱۴ معرفی شد و شامل الگوهای همکاری می‌باشد که یکن در تعامل با کشورهای عربی روی آنها تمرکز خواهد نمود. فراتر از مکانیسم‌های دیپلماتیک دوجانبه الگوی مذکور در یک ابتکار منطقه‌ای گسترده‌تر تعریف می‌شود. این الگو توسط شی جین‌پینگ[8] در سخنرانی افتتاحیه مجمع همکاری چین و کشورهای عربی در سال ۲۰۱۴ به‌عنوان ابزارهایی برای ادغام کشورهای عربی در طرح کمربند جاده اعلام شد. مطابق این الگو هر عدد نشان‌دهنده یک اولویت همکاری متفاوت است که شامل؛ یک انرژی، دو زیرساخت، تجارت و سرمایه‌گذاری و سه انرژی هسته‌ای، ماهواره فضایی و انرژی‌های تجدیدپذیر می‌باشد. این الگو در سند سیاست‌گذاری عربی چین در سال ۲۰۱۶ که هم‌زمان با سفر رییس جمهور شی به عربستان سعودی منتشر شد، مجدداً مورد تأکید قرار گرفت. الگوی همکاری ۳+۲+ ۱ که شامل توافقات دوجانبه بین چین و کشورهای عربی است چارچوبی مفید برای تحلیل عمق و وسعت روابط دوجانبه کشورهای خاص با چین ارائه می‌دهد که نشان می‌دهد در برخی زمینه‌ها مشارکت کاملاً در سطح مناسبی قرار دارد و در برخی دیگر تلاش‌های قابل‌توجهی برای پیشبرد روابط صورت‌گرفته است(Fulton, 2020: 2). مجموعه توافقات صورت گرفته بین جمهوری خلق چین و اعضای شورای همکاری خلیج فارس ذیل الگوی همکاری ۱+۲+۳ نشان‌دهنده افزایش سطح رقابت‌های درون منطقه‌ای بین کشورهای شورا در راستای افزایش سطح مرادوات دو جانبه با چین است که ابعاد مختلف و تلاش‌های رقابتی آنها در زیر مورد بررسی قرار می گیرد.

8. .Xi Jinping

۹-۱. انرژی

الگـوی همـکاری ۳+۲+۱ انـرژی را در مرکـز قـرار می‌دهـد صادرکننـدگان نفـت خلیـج فـارس ۴۰ تـا ۵۰ درصـد واردات نفـت چیـن را بـه خـود اختصـاص می‌دهنـد. انـرژی محـرک اصلـی رشـد اقتصادی چیـن بوده اسـت کـه بـه نوبـه خـود یکـی از مهم‌تریـن سـتون‌های مشـروعیت حـزب کمونیسـت اسـت درحالی‌کـه تـا سـال ۱۹۹۳ چیـن یـک صادرکننـده نفـت خـام بـود از آن زمـان بـه بزرگ‌تریـن واردکننـده نفـت خـام در جهـان تبدیـل شـده اسـت. در سـال ۲۰۱۹ میـزان تولیـد داخلـی ایـن کشـور ۴.۹ میلیـون بشـکه در روز بـود کـه بـا توجـه بـه مصـرف داخلـی ایـن کشـور یعنـی ۱۴.۵ میلیـون بشـکه در روز بـه طـور متوسـط نیازمنـد ۱۰ میلیـون بشـکه در روز می‌باشـد بنابرایـن بـازار انـرژی چیـن فرصـت مناسـبی بـرای کشـورهای عضـو شـورای همـکاری خلیـج فـارس بـرای افزایـش صـادرت و تقویـت جایـگاه خـود در بازارهـای جهانـی فراهـم آورده اسـت. بـا عنایـت بـه رقابـت دیرینـه کشـورهای شـورای همـکاری در کسـب بازارهـای بین‌المللـی انـرژی، وجـوه برجسـته‌ای از رقابـت درون منطقـه‌ای در قالـب انعقـاد توافقـات دوجانبـه بـا چیـن می‌تـوان ملاحظـه نمـود. در ایـن راسـتا عربسـتان سـعودی بـا برخـورداری از ۱۶ درصـد منابـع نفـت خـام جهـان دومیـن ذخایـر اثبـات شـده جهـان را دارا می‌باشـد کـه به‌صـورت متوسـط ۱۰/۳ میلیـون بشـکه در روز تولیـد می‌کنـد کـه تـا ۲.۲ میلیـون بشـکه توانایـی افزایـش آن را نیـز دارد؛ بنابرایـن توانایـی تأثیرگـذاری چشـمگیری بـر قیمـت نفـت داشـته کـه بـا توجـه بـه وابسـتگی قابل‌توجـه چیـن بـه واردات نفـت یـک ملاحظـه مهـم بـرای چین می‌باشـد. گسـترش همکاری‌هـای انـرژی چیـن عربسـتان بـه توافقنامـه همـکاری اسـتراتژیک نفتـی برمی‌گـردد کـه در سـفر رئیس‌جمهـور جیانـگ زمیـن[9] بـه عربسـتان در سـال ۱۹۹۹ امضـا شـد. ایـن توافـق بـه شـرکت‌های چینـی اجـازه داد در بـازار نفـت داخلـی عربسـتان سـرمایه‌گذاری کـرده و شـرکت‌های سـعودی نیـز در فراینـد پالایـش پایین‌دسـتی چیـن مشـارکت کننـد از زمـان انعقـاد ایـن توافـق حجـم تجـارت نفت خـام عربسـتان به چیـن رشـد قابل‌توجهـی پیـدا نمـوده اسـت(Fulton, 2019: 102).

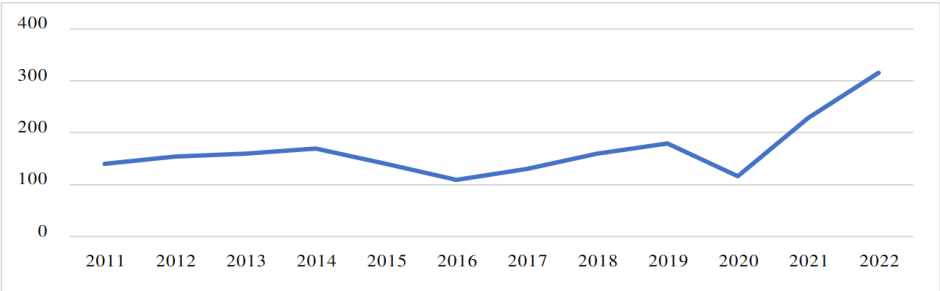
چیـن در سـال ۲۰۱۷ بـه دومیـن وارد کننـده بـزرگ گاز مایـع در جهـان تبدیـل شـد کـه ۴۰ درصـد آن از خـارج تامیـن می‌شـود. پیش‌بینـی می‌شـود میـزان اسـتفاده از گاز مایـع چیـن بیـن سـال‌های ۲۰۱۷ تـا ۲۰۲۳، ۶۰ در صـد افزایـش پیـدا کنـد. در ایـن زمینـه، قطـر یـک شـریک تجـاری قابـل توجه اسـت. در سـال ۲۰۱۸، بیـن شـرکت‌های چینـی و قطـری، یـک معاملـه ۲۲ سـاله امضـا شـد کـه مطابـق آن قـرار اسـت چیـن سـالانه ۳/۴ میلیـون تـن گاز مایـع از قطـر وارد کنـد. در سـال ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸، مجموعـه‌ای از موافقتنامه‌هـا بیـن بزرگتریـن شـرکت ملـی نفـت ابوظبـی و شـرکت دولتـی نفـت ملـی چیـن منعقـد شـد کـه مطابـق آن

9. .Jiang Zemin

شـرکت چینـی سـهامی بالـغ بـر ۳ میلیـارد دلار در میدان‌هـای نفتـی ابوظبـی بـه دسـت آورد و بزرگتریـن قـرارداد اکتشـاف را از شـرکت ملـی نفـت ابوظبـی در مـارس ۲۰۱۸ بـه ارزش ۱/۶ میلیـارد دلار دریافـت کـرد. در ژوئیـه ۲۰۱۹ شـرکت ملـی نفـت ابوظبـی نیـز موافقتنامـه‌ای بـا شـرکت ملـی نفـت فراسـاحلی چیـن بـرای همـکاری در زمینـه اکتشـاف، توسـعه و پالایـش نفـت و گاز مایـع امضـا کـرد.(Reuters, 2018: 71) مطابق توافقـات دوجانبـه صـورت گرفتـه بیـن کشـورهای عضـو شـورای همـکاری خلیـج فـارس بویـژه امـارات، قطر و عربسـتان بـا چیـن می‌تـوان ابعـاد گوناگـون رقابـت بیـن اعضـای شـورا در زمینـه انـرژی را ملاحظـه نمـود.

۹-۲. زیرساخت تجارت و سرمایه‌گذاری

در حالـی کـه دسـتیابی بـه منابـع عظیـم انـرژی انگیـزه اصلی تعمیـق روابـط بین چیـن و شـورای همکاری خلیـج فـارس اسـت؛ امـا تعـدادی از عوامـل دیگـر نیـز سیاسـت منطقـه چیـن را هدایـت می‌کنـد؛ در این زمینـه چیـن نه‌تنهـا بـه دنبـال بهبـود امنیـت انـرژی خـود اسـت؛ بلکـه بـه دنبـال گسـترش تجـارت خـود نیـز می‌باشـد و اعضـای شـورای همـکاری خلیـج فـارس به‌عنـوان یـک شـریک تجـاری بـزرگ بـرای چیـن ظاهـر شـده اسـت و طرفیـن بـه دنبـال گسـترش بیشـتر ایـن روابـط هسـتند(Liangxiang,2010) مطابـق داده‌هـای نمـودار ۲ حجـم تجـارت طرفیـن در سـال ۲۰۲۲ بـه بیـش از ۳۰۰ میلیـارد دلار رسـیده اسـت کـه نسـبت بـه سـال ۲۰۱۱ حـدود صـد درصـد افزایـش یافتـه اسـت. در ایـن راسـتا مکانیزمـی کـه بـه طـور بالقـوه روابـط تجـاری طرفیـن را تقویـت می‌کنـد توافق‌نامـه تجـارت آزاد چیـن و شـورای همـکاری خلیج‌فـارس[10] اسـت کـه مدت‌هـا مـورد مذاکـره قـرار گرفتـه اسـت.



نمودار ۲. حجم مبادلات تجاری چین_ شورای همکاری خلیج فارس ۲۰۲۲-۲۰۱۱ (میلیارد دلار)

Source:https://farhikhtegandaily.com

10. free trade agreement (FTA)

سرمایه‌گذاری چین در پروژه‌های بزرگ زیرساختی شورای همکاری خلیج فارس از دیگر سیاست‌های اقتصادی چین در قالب الگوی همکاری ۳+۲+۱ بوده است. نمونه بارز این امر کنسرسیوم چین در منطقه آزاد بندر دقم عمان است. منطقه آزاد دقم که در سال ۲۰۱۱ تعبیه شده، در برنامه‌های متنوع‌سازی عمان و سرمایه‌گذاری چین در این کشور نقش مهمی دارد. کنسرسیوم چین متعهد شده است حداقل ۳۰ درصد از پارک صنعتی عمان در دقم را طی ۵-۷ سال توسعه دهد و ۱۰ شرکت چینی برای ساخت پروژه‌های مختلف موافقتنامه‌هایی را امضا کرده‌اند که درمجموع ۳/۰۶ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری برآورد می‌شود. تحت تاثیر رقابت‌های دوجانبه بین امارات متحده و عمان، پروژه مشابهی از اواسط سال ۲۰۱۷ در ابوظبی آغاز شد که بنادر ابوظبی موافقتنامه‌ای با شرکت همکاری و سرمایه‌گذاری استانی جیانگ سو در منطقه آزاد تجاری در بندر خلیفه امضا کردند. مجموع سرمایه‌گذاری پارک صنعتی همکاری چین و امارات متحده عربی یک میلیارد دلار برآورد می‌شود. علاوه‌بر این می‌توان به مشارکت گسترده‌تر چین در پروژه ۱۰۰ میلیارد دلاری شهر ابریشم کویت نیز اشاره کرد. دو کشور هم چنین تفاهم‌نامه‌ای امضا کردند تا برای ابتکار و توسعه جزایر کویت در نوامبر ۲۰۱۸ همکاری کنند. مقامات کویت امیدوارند شهر ابریشم که شامل یک بندر بزرگ دریایی، فرودگاه و منطقه آزاد اقتصادی خواهد بود، بتواند به یکی از مراکز ابتکار کمربند جاده تبدیل شود(سازمند، ۱۴۰۰، ۶۴۳). علاوه‌بر این پس از کنفرانس جهانی اینترنت در ووژن در دسامبر ۲۰۱۷، چین و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، به ویژه عربستان سعودی و امارات متحده عربی، توافق کردند که در مسیر توسعه تجارت الکترونیکی همکاری نمایند. چین ساخت زیرساخت‌های دیجیتال خود را در منطقه خلیج فارس از طریق جاده ابریشم دیجیتال[11] که جزء طرح کمربند و جاده است، گسترش داده است. این گسترش شامل پلتفرم‌های تجارت الکترونیک، سیستم‌های پرداخت موبایلی، مراکز داده هوشمند، کابل‌های زیردریایی، ماهواره‌ها، فضای ذخیره‌سازی ابری، شهرهای هوشمند و هوش مصنوعی است. شرکت های مخابراتی در عربستان سعودی، کویت، قطر، امارات و بحرین قراردادهایی را با هواوی برای ساخت شبکه‌های G ۵ امضا کرده‌اند. این بدان معناست که از یک سو چین علی‌رغم تلاش‌های غرب برای جلوگیری از آن، ردپای دیجیتال خود را در سراسر منطقه خلیج فارس با موفقیت گسترش داده است.(Chaziza, 2022, 38) از سوی دیگر رقابت کشورهای عربی در شورای همکاری خلیج فارس در تقویت همکاری‌های دوجانبه با چین و انتقال فناوری‌های نوظهور با توجه به توافقات صورت گرفته کاملا ملموس است.

11. Digital Silk Road (DSR)

۹-۳. انرژی هسته‌ای، ماهواره فضایی و انرژی جدید

همکاری‌های فنی در زمینه‌های انرژی هسته‌ای، ماهواره فضایی و انرژی جدید حوزه دیگری بوده که مورد توجه طرفین قرار گرفته و در رابطه با آن اعضای شورای همکاری خلیج فارس در یک قالب رقابتی سعی در تقویت همکاری‌های دوجانبه خود با چین دارند. چین در سال ۲۰۱۷ موافقتنامه همکاری انرژی هسته‌ای را با عربستان سعودی امضا کرده است و در سال ۲۰۱۸ موافقتنامه مشابهی را نیز با امارات امضا کرده است. چین و امارات متحده عربی، انرژی تجدیدپذیر را به عنوان یکی از نقاط مشارکت راهبردی در ژوئیه ۲۰۱۸ اعلام کرده‌اند. در این زمینه چین در پارک خورشیدی محمد بن راشد آل مکتوم به ارزش ۳٫۸۶ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نموده است که بزرگترین پروژه خورشیدی و متمرکز در جهان است. در سال ۲۰۱۷ چین با عربستان سعودی در حوزه هوافضا موافقتنامه‌هایی مخصوصاً در زمینه تولید پهپاد نیز امضا کرده است. در رابطه با همکاری در زمینه‌های فناوری پیشرفته، رئیس‌جمهور شی در سال ۲۰۱۴ پیشنهاد توسعه همکاری با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در سه حوزه را مطرح کرده است که شامل؛ مرکز انتقال فناوری چین_ عربی، ساخت مرکز تحقیقاتی و آموزشی برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و پروژه فرود سامانه ناوبری ماهواره‌ای چین در عربستان می‌شود.(Fulton, 2020: 12) مناسبات مذکور نشاندهنده تقویت روندهای مربوط به همکاری، هماهنگی و تقویت همگرایی اعضای شورای همکاری خلیج فارس در جهت پیشبرد منافع مشترک در نسبت با سایر قدرت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در قالب روابط میان‌منطقه‌ای است و در این راستا همکاری استراتژیک بین چین و شورای همکاری خلیج فارس به طور قابل توجهی رشد کرده و از روابط دوجانبه فراتر رفته و کل بلوک را در بر گرفته است.

۱۰. نتیجه‌گیری

از زمان برقراری روابط دیپلماتیک بین چین و اعضای شورای همکاری خلیج فارس مناسبات دوجانبه بین طرفین شاهد توسعه پایدار بوده و اعتماد سیاسی متقابل به سطح مشارکت جامع استراتژیک_عالی‌ترین سطح روابط چین با سایر کشورها ارتقاء یافته است. در این راستا اعضای شورای همکاری خلیج فارس به‌عنوان بزرگ‌ترین شرکای تجاری چین در خاورمیانه و شریک طبیعی آن در ایجاد ابتکار کمربند جاده مطرح گردیده و چین نیز مطابق داده‌های موجود به عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری آنها شناخته می‌شود. در این راستا نه تنها اقتصاد

روبه‌رشد پکن منجر به افزایش شدید تقاضا برای نفت شده بلکه نیاز چین به نفت سریع‌تر از هر کشور دیگری در جهان در حال رشد است؛ به‌گونه‌ای که در سال ۲۰۴۰ این میزان به نزدیک ۱۸ میلیون بشکه در روز خواهد رسید و از سوی دیگر کشورهای شورا به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت جهان و دارای اقتصاد مبتنی بر صدور نفت نقش مهمی در امنیت انرژی چین خواهند داشت. اهمیت روابط متقابل طرفین زمانی بیشتر نمایان می‌شود که منافع منطقه‌ای چین با الگوهای چشم انداز کشورهای عضو شورا بیشترین مطابقت را داشته و الگوی همکاری ۳+۲+۱ که در سال ۲۰۱۴ توسط شی جین پینگ در مجمع همکاری چین و کشورهای عربی در کنار ابتکار کمربند جاده به عناصری مهم در تقویت همکاری‌های چندجانبه بین دو طرف منجر گردیده و پروژه‌هایی که ذیل الگوی ۳+۲+۱ قرار می‌گیرند، نقش مهمی در توسعه روابط ایفا می‌کنند. با عنایت به توسعه روزافزون اقتصادی جمهوری خلق چین و گسترش وابستگی متقابل آن در نسبت با اعضای شورای همکاری خلیج فارس شاهد تقویت همه‌جانبه روابط طرفین در قالب رژیم‌ها و نهادهای میان‌منطقه‌ای از قبیل مشارکت جامع استراتژیک، ابتکار کمربند جاده، موافقتنامه چارچوب همکاری اقتصادی، تجاری، سرمایه‌گذاری و فناوری ۲۰۰۴، مذاکرات تجارت آزاد، الگوی همکاری ۳+۲+۱ و... می‌باشیم. توافقات تشریح شده صرفاً بخشی از موافقت‌نامه‌های دوجانبه و چندجانبه چین با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس است. روابط مذکور به لحاظ میان‌منطقه‌ای حاکی از تقویت روابط بین اعضای شورای همکاری خلیج فارس و دولت جمهوری خلق چین بصورت شبکه‌ای و در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. تعاملات مذکور در سطح روابط دولت- منطقه‌ای قابل تبیین است و مطابق آن ضمن تقویت روابط میان‌منطقه‌ای در قالب معاهدات و توافقات مختلف تاثیرات مهمی بر مناسبات درون منطقه‌ای بین اعضای شورای همکاری خلیج فارس در جهت تقویت همگرایی و افزایش رقابت‌های درون شورایی داشته است. در این رابطه توافقات دوجانبه مربوط به مشارکت‌های استراتژیک، الگوی همکاری ۳+۲+۱ بویژه در زمینه‌های انرژی، زیرساخت، تجارت، سرمایه‌گذاری، انرژی هسته‌ای، ماهواره فضایی، انرژی‌های جدید و... ناظر به تقویت وجوه رقابتی بین اعضای شورای همکاری است. از سوی دیگر تعاملات مربوط به موافقتنامه تجارت آزاد، گفتگوهای راهبردی چین و شورای همکاری خلیج فارس، سند سیاست عربی، ابتکار کمربند جاده ،موافقتنامه چارچوب همکاری‌های اقتصادی، ۲۰۰۴ و... ناظر به افزایش همگرایی اعضای شورای همکاری خلیج فارس در سطح درون منطقه‌ای و میان منطقه‌ای با

جمهوری خلق چین است. بنابراین روابط میان منطقه‌ای بین چین و اعضای شورای همکاری خلیج فارس منجر به شکل‌گیری شبکه‌ای از روابط بین اعضای شورا شده که افزایش سطح همکاری، رقابت و وابستگی متقابل بین آنها را تقویت نموده است. چشم‌انداز روابط بر اساس طیف گسترده‌ای از منافع مشترک نشان می‌دهد؛ ضمن تداوم همکاری طرفین، حضور چین در کشورهای شورای همکاری گسترش بیشتری خواهد یافت و این کشور در کنار غرب به شریکی کلیدی برای توسعه کشورهای شورای همکاری تبدیل خواهد شد و روابط طرفین برای هماهنگ ساختن اهداف و منافع متقابل رویکردی ساختارمندتر خواهد یافت.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

References

Ahmed, Arshad. (2020). CHINA'S ECONOMIC RELATIONS WITH SAUDI ARABIA. Department of Geography, Sikkim University, Vol. 1, Issue.2, July 2020.

Al-Tamimi, Naser. (2012). China Saudi Arabia relations : economic partnership or strategic alliance ?, HH Sheikh Nasser al-Mohammad al-Sabah Publication Series, Number 2: June 2012.

Balaam, N. David and Dillman, Bradford (2014), Introduction to international political economy, Library of Congress Cataloging-in-Publication Data, 6th ed. Chen, James (20/5/2021), "Middle East and North Africa.

Chen Juan, Shu Meng and Wen Shaobiao(2018), Aligning China's Belt and Road Initiative with Saudi Arabia's 2030 Vision Opportunities and Challenges, Shanghai Institutes for International Studies China Quarterly of International Strategic Studies, Vol. 4, No. 3, 363–379.

Chaziza, Mordechai. 2022. China-GCC digital economic cooperation in the age of strategic rivalry. Middle East Institute. https://www.mei.edu/publications/chinagcc-digital-economic-cooperation-age-strategic-rivalry.

Danesh-Niya, Farhad, Sohrabi-Manesh, Mahtab, and Azizi, Masoud. (2023). The Political Economy of China's Foreign Policy in the MENA Region, World Politics, Volume 12, Issue 2, pp. 125-153. [In Persian]

Dongmei Chen, 2021. "China's BRI and Saudi Vision 2030: A Review to Partnership for Sustainability," Discussion Papers, kapsarc, King Abdullah Petroleum Studies and Research Center, https://www.kapsarc.org.

Ebrahimi, Shahroz. (2012). China's Middle East Policy and Its Competition with America, Middle East Studies, Volume 19, Issue 4, pp. 171-196. [In Persian]

Fulton, Jonathan. (2020). China-Saudi Arabia Relations Through the '1+2+3' Cooperation Pattern. Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies. 14 (4): 1-12.

Fulton, Jonathan. (2020). Situating Saudi Arabia in China's Belt and Road Initiative. Asian Politics & Policy.

Fulton, Jonathan (2019), "China's challenge to US dominance in the Middle East", China's Great Game In The Middle East, Camille Lons(ed.), The European Council on Foreign Relations (ECFR), PP. 10-17.

Fulton, Jonathan (2019), China's Relations with the Gulf Monarchies ,London: Routledge.

John K. Douglas et al, "Rising in the Gulf: How China's Energy Demands Are Transforming the Middle East," The Fletcher School Journal, 2007.

Heydari, Mahdieh. (2022). Reasons for the Development of Foreign Relations between Saudi Arabia and China. Iranian Journal of International Politics, Volume 1, Issue 1, pp. 117-142. [In Persian]

Huwaidin. A(2023). China's Relations with Arabia and the Gulf 1949-1999. Published December2011 by Routledge.

http://www.eia.gov/countries/; International Energy Agency (IEA), " The Oil Market, " 11 April 2013.

http://omrpublic.iea.org/; and EIA, " Annual Energy Outlook 2013, " April 2013.

http://gulfnews.com/business/general/saudi-arabia-and-china-sign-landmark-agreements-.51153.

Guzansky, Yoel. (2015). The foreign-policy tools of small powers: Strategic hedging in the Persian Gulf. Middle East Policy, 22(1), 112–122.

Kashian, Abdul Mohammad. (2021). China and its Role in the Decline of American Economic Power, American Strategic Studies, Volume 3, Issue 1, pp. 67-84. [In Persian]

Kolayi, Elahe. (2013). Between Regionalism and International Relations, First Edition, Tehran, Ministry of Foreign Affairs. [In Persian]

Liangxiang Jin, “China’s Middle East Policy is not determined by oil,”http://www.china.org.cn/opinion/2010-04/19/content_19853288.

Moshirzadeh, Homeira (2015), Change in the Theories of International Relations, Tenth Edition, Tehran, Samt. [In Persian]

Niazi, Khizar. (2009). Kuwait Looks towards the East: Relations with China, the Middle East Institute Policy Brief. No. 26.

Niblock, T, (2020), “China and the Middle East: A Global Strategy Where the Middle East has a Significant but Limited Place”, Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies.

Pourahmadi, Hossein and Khanijoyabad, Mahmoud. (2017). The Political Economy of China’s Foreign Policy in the Era of Economic Globalization, Political and International Approaches, Volume 8, Issue 3, pp. 39-11. [In Persian]

Sazmand, Bahareh and Ramezani, Ahmad (2021).China’s Regime Building in the Persian Gulf; Analysis of China’s Free Trade Area and the Gulf Cooperation Council, Quarterly Journal of International Organizations, Year 4, Issue 4, Winter 1400, pp. 627-657. [In Persian]

Sedaghati, Mobarakeh and Ghorbani Sheikhneshin, Arsalan. (2013). The Impact of the Made in China 2025 Economic-Industrial Document on European Trade-Economic Policy (2015-2020). International Political Economy Studies, Volume 5, Issue 1, pp. 137-173. [In Persian]

“Strategic relations with China,” Al Jazirah, issue 13284, 10 February 2009, http://search.aljazirah.com.sa/2009/20090210/ria1.htm (accessed 28 March 2012).

Struver, Georg. (2017). China’s partnership diplomacy: International alignment based on interests of ideology. The Chinese Journal of International Politics, 10(1), 31–65.

Turki, Hadi. (2023). China’s Counter-Hegemonic Approach in the Persian Gulf (Case Study; Iran and Saudi Arabia Between 2015-2022). American Strate-

gic Studies, Volume 2, Issue 4, pp. 156-135. [In Persian]

Yang, J. (2023). Research on the Strategic Position of the 'Belt and Road Initiative' in China's New Economic Landscape. Frontiers in Business, Economics and Management, 9(1),159-163.

Yenigun, Cuneyt. 2022. From soft power to hard power: China in the Arabian Gulf. Journal of Positive Psychology and Wellbeing, 6(2): 2298–2318.

Chen Juan, Shu Meng and Wen Shaobiao(2018). Aligning China's Belt and Road Initiative with Saudi Arabia's 2030 Vision Opportunities and Challenges. China Quarterly of International Strategic Studies, Vol. 4, No. 3, 363–379.

Xuetong, Y., (2015), "From Keeping a Low Profile to Striving for Achievement", The Chinese Journal of International Politics, 7(2), 153-184.

Xuming QIAN & Jonathan FULTON (2017) China-Gulf Economic Relationship under the "Belt and Road" Initiative, Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies, 11:3, 12-21, DOI: 10.1080/25765949.2017.12023306.